هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۹ چهارشنبه ۴ جوزا ۱۳۸۴ ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۲۶ - 25 May 2005

افغانستان و امریکا موافقت نامهٔ همکاری استراتژیک امضا کردند



آقـای حامـد کـرزی رئیـس جمهـوری اسلامی افغانستان و جورج دبلیو بش رئیس جمهور آمریکا یک موافقتنامهٔ دراز مـدت در زمینهٔ بازسازی و همکاری های امنیتی امضا کردند.

حامـد کـرزی و بـش پـس از انجـام مـذاکرات و امضـای ایـن موافقتنامـه در کاخ سـفید، در یـک کنفرانس مطبوعـاتی اشتراک نمودند و بـه سوالات خبرنگـاران پاسخ گفتند.

حامـد کـرزی گفـت: ایـن موافقتنامه تضمین کننـدهٔ ادامـهٔ کمـک هـا بـه افغانسـتان بـرای بازسازی و آمـوزش ارتش این کشور تا زمـانی خواهد بـود کـه این کشور روی پای خود بایستد.

حامد کرزی و بش در دیدار خود در کـاخ سفید همچنین موافقت کردند کـه نیروهـای امریکایی از آزادی عمـل برخـوردار خواهنـد بود.

در اعلامیـهٔ مشـترکی کـه دو رئـیس جمهور امضا کردنـد، آمـده اسـت: امریکا و نیروهـــای ائـتلاف از آزادی عمــل لازم بــرای انجـام عملیـات نظـامی مناسـب برخوردار خواهند بود کـه بـا تکیـه بـر رای زنی ها با دولت افغانستان و رویـه هـای از پیش توافق شده انجام خواهد شد.

حامد کرزی ضمن قدر دانی از کمـک هـای ایالات متحدهٔ امریکـا گفـت: مـن از رئـیس جمهور بش تعهد گرفتم که با مردم افغانستان دربازسازی کشورشان کمک نمایند.

بر اساس یک خبر دیگر حامـد کـرزی و هیئـت همـراهش در مراسـم فراغـت محصلان دانشگاه بوستون ص۵

حامد کرزی در یک کنفرانس مطبوعاتی:

پس از ایجاد پارلمان حضور سازمان ملل متحد و جامعهٔ جهانی ارزیابی خواهد شد

حامـد کـرزی رئـیس جمهـوری اسـلامی افغانسـتان روز شـنبه ۳۱ ثـور پـیش از سـفرش بـه ایـالات متحـدهٔ امریکـا در یـک کنفرانس مطبوعـاتی در کابـل گفـت: در ایـن سفر مـی خـواهم در مـورد روابـط دوجانبـه میـان افغانسـتان و امریکـا بـا مقامـات آن کشور مذاکره نمـایم، زیـرا نیروهـای ائـتلاف، آیسـاف و جامعـهٔ بـین المللی بـر اساس فیصلهٔ شـورای امنیـت سـازمان ملـل متحـد بـه افغانستان آمـده انـد و بعـد از ایجـاد پارلمـان، حضـور سـازمان ملـل متحد و جامعهٔ جهانی در کشـور مـا مـورد ارزیـابی قـرار مـی گیـرد. از این رو می خواهم که ملـل متحـد و امریکـا بـا عقـد قراردادهـایی دو جانبه با دولت افغانسـتان بـه مسـاعدت و همکـاری شـان ادامـه دهند.

آقـای حامـد کـرزی در مـورد مسـاعدت امریکـا بـه افغانسـتان گفـت: مـا مـی خـواهیم از امریکـا تعهـد دوامـدار مبنـی بـر ادامـهٔ مسـاعدت در عرصـه هـای امنیتـی، اقتصـادی و جلـوگیری از مداخلهٔ خارجی در امور داخلی افغانستان داشته باشیم

وی در مورد موجودیت زنـدانیان افغـانی در زنـدان هـای امریکـا در بگرام و گوانتانامو گفت: بـیش از یـک سـال مـی شـود کـه بـا دولـت امریکا مـذاکراتی داریـم تـا تمـام زنـدانیان افغانسـتان را کـه در بگـرام، گوانتانامو و دیگر جاها توسط آمریکایی ها نگهداری می ص۸

انتخابات پارلمانی و مسؤولیت های بزرگ مردم

ص۵

ثبت نام کاندیداهای انتخابات پارلمانی پایان یافت

ثبت نام برای انتخابات پارلمانی پس از سه روز تمدید، عصر روز دوشنبه ۲ جوزا بـه جـز در شـهر جلال آباد در سراسر کشور پایان یافت.

در شـهر جـلال آبـاد ثبـت نـام تـا عصـر روز پنجشـنبه ادامـه مـی یابـد. بـر اسـاس اظهـارات سلطان احمـد بهـین سخنگوی دفتـر مشـترک تنظیم انتخابات تـاکنون دو هـزار و هفـت صـد و پنجـاه نفـر خـود را بـرای انتخابـات پارلمـانی کاندیـدا نمـوده انـد کـه ۳۱۹ نفـر آنـان زن مـی باشند.

تا کنون به شورا های ولایتی ۲۸۲۶ نفر خود را کاندیدا کرده اند که ۲۱۳ نفر آنها زن می باشند.

به گفتهٔ این منبع در این میان ۶۵ نفر کـوچی شاملند که پنج نفرشان زن هستند.

بهین گفت: ارقام ارائه شده نهایی نیسـت زیـرا کارمندان مراکز ثبت نام مکلفند آنهـایی را کـه در ولایات به خاطر ثبت نام صف بسته، ثبت نام کنند. پس از ساعت چهار در مراکز به کسی اجـازه داده نخواهد شد که شامل صف ها گردند.

وی گفت: فهرست کاندیداها از تـاریخ ۱۴ الـی ۱۹ جوزا بـه دسـترس مـردم قـرار مـی گیـرد تـا ملاحظات خویش را در مورد کاندیداها ابراز نمایند.

بـر مبنـای مـادهٔ پـانزدهم قـانون انتخابـات کاندیداهایی که وظایف بلند دولتـی دارنـد بایـد از وظایف شان استعفا دهند، اما گفته مـی شـود کـه تعدادی از مقامات بلند پایه که خـود را بـه عنـوان کاندیدای انتخابات پارلمانی ثبت نـام کـرده انـد از وظایف شان استعفا نداده اند و کما کان به وظـایف شان ادامه می دهند.

تطبیق مواد قـانون انتخابـات از وظـایف دفتـر مشترک تنظیم انتخابات و دفترهـای ثبـت نـام کاندیداها می باشد ولـی چنـان دیـده مـی شـود مراکـز ثبـت نـام کاندیـداها هـم در ایـن بـاره نظری مشخص ندارند.

وزیر امور زنان خواستار روابط دوستانه با اسرائیل شد

رادیـوی آزادی در برنامـهٔ خبـری قبـل از ظهـر روز پنجشـنبه خـود بـه نقـل از اورشـلیم پوسـت روزنامـهٔ چـاپ اسـرائیل گـزارش داد کـه دکتـر مسعوده جـلال وزیـر امـور زنـان جمهـوری اسـلامی افغانستان در مصاحبه یی کـه بـا ایـن روزنامـه اخیـراً انجام داده است در رابطـه بـا امکـان برقـراری روابـط دوسـتانه میـان دولـت هـای افغانسـتان و اسـرائیل گفتـه اسـت کـه مـا تعهـد کـرده ایـم بـا آمریکـا و کشـورهای دوسـت امریکـا دوسـتی داشـته باشـیم و اسرائیل از جملهٔ این کشورهاست.

وزیر امور زنـان نخسـتین مقـام افغانسـتانی اسـت کـه تـا هنـوز بـا ایـن صـراحت خواسـتار برقـراری روابط دوستانه با کشـور اسـرائیل شـده اسـت وحتـی برخی از کشـورهای اسـلامی کـه بـا اسـرائیل روابـط برقـرار کـرده انـد نگفتـه انـد کـه آنهـا بـا اسـرائیل روابـط دوسـتانه دارنـد بلکـه آنهـا روابـط خـود را دیپلماتیـک خوانـده و همـواره بـر حـق مسـلم فلسـطینیان در داشـتن دولـت مسـتقل و بیـرون رفـتن اسـرائیل از سـرزمین هـای اشـغالی تأکیـد ورزیـده انـد. در حـالی کـه خـانم مسـعوده جـلال در ایـن مصـاحبه طبـق گـزارش رادیـوی آزادی از ایـن حق فلسطینیان سخنی به میان نیاورده است.

در همـین گـزارش رادیـو آزادی از دکتـر عبـدالله وزیر خارجه در این زمینـه نقـل گردیـد کـه برقـراری روابط با اسرائیل بسـتگی بـه حـل مسـألهٔ خاورمیانـه دارد. هرچنـد ایـن سـخن وزیـر خارجـهٔ کشـور صـراحتی زیـاد برحمایـت از حـق فلسـطینیان نـدارد ولـی اشـارت بـه آن دارد کـه حـل مسـألهٔ خاورمیانـه بدون رضایت فلسطینیان نا ممکن است.

ایـن موضـع خـانم جـلال جایگـاه اجتمـاعی او را که بیشتر با تکیه بـر ارزش هـا و سـنت هـای دینـی به دست آمده است درمیـان مـردم بـه شـدت صـدمه مـی زنـد و ادعاهـا و شـعارهای دینـی دولـت را سخت زیر سوال قرار می دهد.



روز معلم با شکوهی ویژه تجلیل گردید

طی یک همایش بزرگ که به روز سه شـنبه ۳ جـوزا در تالار لیسهٔ امانی برگزار شد از روز معلم تجلیل به عمل آمد. در این همایش، محمد کریم خلیلی معـاون، ریاسـت دولت ، نور محمد قـرقین وزیـر معـارف، برخـی دیگـر از اعضای کابینهٔ دولت، منسوبین وزارت معـارف، سـفرای کشور های خارجی مقیم کابل، شماری از مهمانان داخلی و خارجی، معلمان و شـاگردان مکاتـب اشـتراک ورزیـده بودند.

محفل با قرائت آیـاتی از کـلام الله مجیـد توسـط یکـی از شـاگردان آغـاز یافت متعاقباً حاضـران در این مجلس بـه رسـم ادای احترام بـه سـرود ملـی بـه جا ایستادند.

در آغـاز مجلـس نـور محمد قرقین وزیـر معـارف پیام رئیس جمهور را قرائت نمود. در ایـن پیـام ضـمن تبریکی این روز خجسته به تمام آموزگاران ص۷



آدرس مجاهد در انترنت
Website:
www.mujahid1357.com
***
E-mail:
Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهـد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

جایگاه معلم در فرهنگ و در جامعه

ما در تاریخ، تمدن وفرهنگی را سراغ نداریم که در آن به مقام معلم توجه نشده باشد. در همهٔ تمدن های بشری معلم را ستوده اند. اما معلم در فرهنگ و تمدن اسلامی از جایگاهی بس رفیع برخوردار است. معلمی در فرهنگ اسلامی پیامبری کردن است. آیاتی در قرآن کریم داریم که رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم را تنها معلمی کردن معرفی می کند: (هو الذي بعث في الأميين رسولاً منهم يتلو عليهم آياته و يزكيهم ويعلمهم الكتاب و الحكمة و إن كانوا من قبل لفي ضلال مبين).

خدای در میان بی سوادان پیامبری از جمع خودشان برانگیخته است تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را تزکیه و تربیت کند و کتاب بیاموزاند و حکمت، هرچند آنان پیش از این در گمراهی آشکار بودند.

فلسفهٔ برانگیخته شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم همین مسائل بوده است و این کارها جز معلمی کردن چیزی دیگری نیست و به همین دلیل است که پیامبر صلی الله علیه وسلم رسالت خویش را معلم بودن معرفی می کند (إنما بعثت معلماً) "من تنها معلم فرستاده شده ام".

تا آنگاه که مسلمانان به خواندن و نوشتن و کتاب و قلم و دانشگاه و آموزگار چنان که در آموزه های دینی بدان ها توجه شده است، توجه داشتند اختر بخت شان بر تارک جهان می درخشید، زمانی که از توجه به این امور بازماندند از قافلهٔ تمدن وتوسعه نیز بازماندند.

امروز همه ملت هایی که دعوای سروری دارند توجهی بزرگ به دانش و پژوهش کرده اند، و توجه داشتن به دانش و پژوهش هرگز بدون پرداختن به امر آموزش که معلم یکی از ارکان مهم آن را می سازد میسر نیست.

دانشمندان توسعه امروز همه به این باورند که سنگ زیرین بنای توسعه را توسعهٔ نیروی انسانی می سازد و عملیهٔ آموزش و پرورش عرصهٔ آن است. از این باب تعلیم و تربیت مهم ترین زمینهٔ سرمایه گذاری برای توسعه تلقی می شود.

ما که اکنون باور داریم بدون پیمودن راه توسعه و به پا ایستادن نمی توانیم به ادامهٔ زندگی در جهان امروز چشم داشته باشیم باید مجدانه به امر توسعهٔ تعلیم و تربیت و پروردن معلمان شایسته توجه ورزیم.

توجه به امر معلم پروری کاری چند پهلو است و پیچیده که همه عرصه های زندگی او را باید فراگیرد. چنان که به سطح آگاهی و توانایی های علمی او توجه می شود به سطح زندگی و جایگاه اجتماعی اش نیز توجه صورت پذیرد. این را باید بدانیم تا ما به شیوه ها و راهکارهای گزینش و پرورش معلم چنان که در کشورهای پیشرفته بدان پرداخته می شود اهتمام نکنیم و معلمان را از دریوزگی نجات ندهیم و کفاف زندگی آنان را از حرفت معلمی شان آماده نسازیم ما هرگز تعلیم و تربیت پویا و کوشا نخواهیم داشت.

دولت باید بیشترین دارایی های خود را در زمینهٔ تعلیم و تربیت سرمایه گذاری کند و بیشترین امکانات خود را برای پرورش معلمان توانا به کار گیرد.

در این وقت است که معلم جایگاهش را در جامعهٔ ما چنان که در فرهنگ ماست در خواهد یافت.

کرزی
و دست آورد سفر به امریکا

وحید مژده

به نظر می رسد که سفر های اخیر حامد کرزی به اروپا و امریکا برای وی زیاد دلگرم کننده نبوده است. کرزی نشان داده است گاهی در برقراری تعادل میان احساسات و تدبیر مشکل دارد و در آستانهٔ سفر به امریکا نیز با افشای قبل از موقع اجندای مذاکرات خویش با مقامات امریکایی، هم در داخل و هم در خارج خود را مواجه به مشکلات ساخت.

وی گفت که در سفر به امریکا از بوش خواهد خواست تا زندانیان افغانستان در گوانتانامو و سایر زندان ها را به دولت افغانستان بسپارد، مانع از تلاشی ها و بازرسی های خودسرانهٔ نیرو های امریکایی از خانه های مردم در ولایات گردد و کسانی را که دو زندانی را در سه سال قبل در بگرام کشته اند مجازات نماید.

مقصود کرزی از این سخنان نیز به زعم خودش نوعی زمینه سازی برای جلب همکاری های طویل المدت استراتژیک با امریکا بود. او می خواست به مردم افغانستان تفهیم نماید که دلیل این اقدامات خودسرانهٔ امریکایی ها عدم موجودیت یک قرارداد میان دولت افغانستان و امریکاست و اگر این کار در قالب یک قرار داد همکاری طویل المدت استراتژیک تنظیم گردد، این مشکلات حل خواهد شد. اما امریکایی ها به این تلاش کرزی وقعی ننهادند.

کرزی با چنین روحیهٔ تهاجمی سفر به امریکا را آغاز کرد اما در همان ابتدا مجبور شد تا به موضع تدافعی رجعت نماید. نشر گزارش سفارت امریکا در کابل مبنی بر عدم موفقیت کرزی در مبارزه علیه مواد مخدر موجب گردید تا کرزی به دفاع از اقدامات خویش در این زمینه بپردازد. او گفت که جامعهٔ جهانی به تعهدات خویش در کمک به دهقانان افغانستان عمل نکرده است. عنوان نمودن چنین مطلبی هرچند دیگران در آن متهم گردند، نشان از ضعف دولت کرزی دارد.

تأکید رئیس جمهور کرزی بر ضرورت تعهد طویل المدت جامعهٔ جهانی برای کمک به افغانستان ناشی از این نگرانی اوست که می داند امریکایی ها به خاطر شکل خاص نظام سیاسی خویش بیشتر استراتژی های کوتاه مدت را دنبال می کنند. عدم موفقیت در عراق می تواند موجب یک تغییر جدی در سیاست امریکا گردد که افغانستان بیش از هر کشوری از این تغییر سیاست تأثیر خواهد پذیرفت.

کرزی دراین سفر، سعی بر آن دارد تا به مردم ایالات متحدهٔ امریکا بفهماند که مردم افغانستان از دوستی با امریکا خوشنودند و اگر گاهی مخالفت هایی ابراز می شود، ناشی از مداخلات بیگانگان است. اما کرزی این جرئت را ندارد که به امریکایی ها بگوید که در طول سه سال گذشته ذهنیت مساعد نسبت به حضور نظامی امریکا در افغانستان تا چه حد صدمه دیده است و در بازسازی این طرز فکر زیان دیده چه باید کرد.

بررسی این زیان، نیاز به تحلیل انتقادی از اعمال گذشته دارد اما از شرایط چنین برمی آید که امریکایی ها در این رابطه حاضر به شنیدن انتقاد نیستند.

> **کرزی این جرئت را ندارد که به امریکایی ها بگوید که در طول سه سال گذشته ذهنیت مساعد نسبت به حضور نظامی امریکا در افغانستان تا چه حد صدمه دیده است و در بازسازی این طرز فکر زیان دیده چه باید کرد**

آنها ترجیح می دهند که مشکلات را به شیوهٔ خود حل کنند. گزارش دوهزار صفحه یی از چگونگی جریان قتل دو شهروند افغانستان در سه سال گذشته شاید به محکومیت یک تعداد کسان بینجامد اما به مشکل می توان تصور کرد که مدت محکومیت بیشتر از زمان تحقیقی باشد که درتهیهٔ این گزارش دوهزار صفحه یی صرف شده است.

در رابطه به زندانیان افغانستان در زندان های امریکایی ها بیشتر جهانیان به زندان مشهور گوانتانامو توجه دارند اما کسی نمی داند که در حدود بیست زندان دیگر امریکایی ها که در داخل افغانستان وجود دارد چه می گذرد.

دکتر شریف بسیونی که از طرف سازمان ملل متحد برای بررسی این مسأله توظیف شده بود به خاطر این که اجازهٔ بازدید از این زندان ها را به دست نیاورد استعفا داد.

بدون شک سفر کرزی به امریکا تغییری در وضع به نفع افغانستان آن گونه که کرزی آرزو داشت به وجود نخواهد آورد. سخنرانی های تشریفاتی در دانشگاه بوستون مبنی براین که رهبری کرزی دنیا را مصؤون تر ساخته است تعریف ها و تمجید هایی است که می دانیم در کجا مصرف دارد و تا کجا مقرون به صحت است. این تمجید ها مانند دکترای افتخاری است که انسان نمی تواند از آن به عنوان یک رتبهٔ علمی استفاده کند. یعنی اکنون که کرزی دکترای افتخاری در حقوق را دریافت کرده است کسی کرزی را دکتر حامد کرزی نخواهد خواند.

هرچند رئیس جمهور دو معاون، یک مشاور ارشد و لشکری از وزرای مشاور دارد که غالباً به خاطر مقاصد و مصالحی غیر از مشوره توظیف گردیده اند اما پیشنهاد دوستانهٔ ما به ایشان این است که قبل از هرموضعگیری و سخنرانی های احساساتی بخصوص در مسایل مهم و حساس، با مشاوران چیز فهم خویش به مشورت بنشینند و پیوند میان تدبیر و احساسات را با خشم و ناراحتی از هم نگسلند. احساس در جای خود ارجمند است و تدبیر جای خود را دارد.

تصور کنیم اگر با بازگشت کرزی از امریکا مشخص شود که گرهی از مشکل زندانیان باز نشده و بازرسی های خودسر همچنان ادامه خواهد یافت، در آن صورت مردم در بارهٔ این دولت و رابطهٔ آن با امریکا چه خواهند گفت؟

اگر رئیس جمهور کرزی قبل از سفر، مردم را امیدوار نمی ساخت ولی در مذاکرات به این هدف دست می یافت، این کار برایش دست آورد بزرگی بود و اگر امریکایی ها خواست وی را نمی پذیرفتند او در برابر مردم لااقل متهم به ضعف نمی شد اما اکنون که مقامات امریکایی با لحن مؤدبانه یی تصمیم در موارد پیشنهادی کرزی را به بعد موکول کرده اند مشخص است که نه تنها دولت کرزی در ذهنیت مردم تضعیف خواهد شد بلکه به تبع آن موضوع همکاری های استراتژیک طویل المدت با امریکا نیز بیش از پیش زیر سؤال خواهد رفت. چیزی که حامد کرزی خلاف آن را توقع داشت.

زندانونه او دهغو پټ رازونه

پامیر

د امریکا د نیویارک تایمز ورځپاڼي په دي وروستیو وختو کي دهغه دوه زره صفحه ئي سند له مخي چي د امریکا د اردو د خیړنو یوه برخه ده لیکلي دي: د بګرام په زندان کي د 2002 عیسوي کال په دسمبر کي دوه تنو افغاني بندیانو د پرله پسي شکنجو او وهلو له امله خپل ژوند له لاسه ورکړي دي.

نیویارک تایمز زیاتوي چي یو افغان په 24 ساعتوکي نژدي سل خله وهل ټکول خوړلي او تر شکنجي لاندي ئي ساه ورکړي ده. ددغه رپوټ له خپریدو وروسته د ملګرو ملتو د سازمان مقاماتو د بګرام په بندیخانه کي د بندیانو په وړاندي د دوامدارو خورونو له امله د دویم ځل لپاره غوښتنه کړي چي په دي اړه خپلي څیړني پیل کړي.

په افغانستان کي د ملګرو ملتو د سازمان خانګړي استازي، ژان ارنو ویلي دي چي له بندیانو سره دغه راز چلند د منلو وړ نه دي د ملګرو ملتو ددغه خانګړي استازي له وینا څخه یوه ورځ مخکي ولسمشر کرزي هم وویل چي د بګرام په زندان کي د امریکائي ساتونکو دغه راز چلند حیران کړي دي. دوي د بندیانو په وړاندي د سرغړونکو د مجازاتو غوښتنه کړي او دغه راز عمل ئي محکوم کړي او د منلو وړ ئي نه دي بللي.

د نیو یارک تایمز په رپوټ کي یادونه شوي چي د دلاور په نامه د یو ټکسي موټر مالک چي د پیښي په ځاي کي د مظنون په څیر نیول شوي و په 24 ساعتو کي تقریباً سل خله وهل شوي او ربړول شوي او بالآخره تر همدغه راز شکنجو لاندي ئي ساه ختلي ده

موږ د خپلو مسلمانو، متدینو افغاني بندیانو په وړاندي چي د جرم ثبوت او یا د محکومیت لازم سندونه و نه لري ۷مخ

۴ جوزای ۱۳۴۹

محمد نسیم فقیری

۴ جوزای سال ۱۳۴۹ از روزهای مهم و تاریخی دهۀ دموکراسی در کشور ماست.

در این روز بود که قیام و اعتراض مردم آگاه و متدین ما به رهبری علمای دینی علیه فعالیت های گروه های کمونیست و تحت حمایت رژیم سلطنتی، به صورت بی رحمانه سرکوب گردید.

تاریخ معاصر کشور ما گواه است که کمونیست ها بیشترین استفاده را از فضای آزاد دهۀ دموکراسی بردند و با برگزاری اجتماعات، برپایی تظاهرات و نشر جراید کوشیدند تا به صورت وسیع اندیشه های مارکسیسم لنینیسم را که برپایۀ عقاید الحادی ماتریالیسم استوار بود، پخش و تبلیغ نمایند و با شعارهای فریبندۀ نان، لباس و مسکن و آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، جوانان کشور را به انحراف فکری بکشانند.

مردم ما از همان آغاز نفوذ این اندیشه های وارداتی در کشور و تبارز گروهک های کمونیستی، از آنان نفرت داشتند و فریب شعارها و ادعاهای آنان را نخوردند و اکثر مردم آنان را ملحد و بی دین دانسته، به خوبی درک نموده بودند که در صورت رشد و تقویت کمونیست ها فاجعه های بخارا و سمرقند تکرار خواهد شد و سرزمین ما در چنگ استعمار سرخ خواهد افتاد.

۴ جوزا فریاد خشم و اعتراض مردم و جواب دندان شکن آنان به گروهک های کمونیست بود که با تاختن بر اعتقادات و ارزش های دینی مردم و قرار گرفتن در خدمت یک ابر قدرت جهان خوار، امنیت ملی و استقلال کشور را تهدید می نمودند.

در ادامۀ فعالیت های ضد دینی و ضد ملی کمونیست ها، به مناسبت سالروز تولد لنین، قطعۀ شعری در جریدۀ پرچم به نشر رسیده بود که گویندۀ آن بارق شفیعی یکی از بنیان گزاران حزب دموکراتیک خلق بود.

او در این شعر به لنین درود گفته و از او چنین ستایش کرده بود:

خلاق پرشکوه
جهان ساز بی مثال
بر خلق قهرمان
وز ما درود باد بر آن رهبر بزرگ
لنین کبیر!

خبر چاپ شعر یک کمونیست در مدح لنین و درود گفتن به او - در حالی که مردم درود را خاص پیامبر می دانند - در سراسر کشور پخش گردید و باعث خشم و نفرت آنان شد.

علمای دینی در مسجد پل خشتی کابل گرد آمدند وعلیه فعالیت های کمونیست ها و حمایت دولت از آنان اعتراض نمودند ولی دولت به جای بازداشت و مجازات یک کمونیست، به حریم مسجد تجاوز نمود وبا یورش بر تجمع علما و زد و کوب آنان صحن

۴ جوزای ۱۳۴۹ فریاد خشم و اعتراض مردم و جواب دندان شکن آنان به گروهک های کمونیست بود که با تاختن بر اعتقادات و ارزش های دینی مردم و قرار گرفتن در خدمت یک ابر قدرت جهان خوار، امنیت ملی و استقلال کشور را تهدید می نمودند

مسجد را از خون علما رنگین ساخت. تعدادی از سران این اجتماع را به زندان افگند و دیگران را دست بسته به ولایات شان فرستاد.

۴ جوزا برای مردم، دولت و کمونیست ها پیام هایی داشت و هر کدام از این سه جهت درس هایی از آن گرفتند:

۱- مردم، بیشتر از پیش متوجه خطر جدی از ناحیۀ کمونیست ها گردیدند که اکنون به ارزش های دینی شان می تازند و اضافه بر حمایت یک قدرت استعماری دنیا (شوروی) در پناه دولت نیز قرار دارند. و این سر آغاز آگاهی و بیداری مردم و اوج گیری حمایت مردمی از فعالیت ها و تظاهرات نهضت اسلامی در دوسه سال بعد بود که پیوند تاریخی آن را با زمینه ها و پیشینه های جهاد شکوهمند و تاریخی مردم افغانستان نمی توان نادیده گرفت.

۲- دولت درک نمود و به یقین دانست که مردم در برابر ارزش های دینی خویش سخت حساس و با غیرتند و کوچک ترین توهینی را نمی توانند تحمل نمایند و علیه آنان به پا می خیزند.

دولت خطر اصلی را در نهضت اسلامی و علمای دینی دید و علیه آن دست به کار شد و در مقابل از کمونیست ها حمایت نمود.

۳- کمونیست ها به این باور رسیدند که مانند همه کشورها و به خصوص کشورهای اسلامی در افغانستان نیز نمی توانند که از راه تبلیغات و فعالیت های سیاسی و به شیوه های دموکراتیک به قدرت برسند بلکه باید مانند سایر احزاب کمونیستی راه کودتاها را در پیش گیرند و همان بود که کودتاهای ۲۶ سرطان ۵۲ و ۷ ثور ۵۷ به وقوع پیوست...

امروز که شاه سابق به سخن آمده و مصاحبۀ او از رادیوی بی.بی.سی پخش می شود، ایکاش در مورد دلایل حمایت خویش از کمونیست ها نیز سخن بگوید و این که تا چه حد تحت فشار شوروی ها در این زمینه قرار داشته است؟...

به مناسبت روز معلم

معلم! سلام بر تو

عبدالله فرزاد

معلم! سلام برتو . درود بر تو که دارندۀ انسانی ترین آرمان هایی. سلام بر چراغ روشنی بخش زندگی. سپاس بر باغبان باغساران علم. درود بر ارزنده ترین پشتوانۀ دانش و زندگی. سلام بر فجر تاریکی بر انداز. سپاس بر صمیمی ترین دوست انسانها. درود برناخدای سفینۀ دانش. سلام بر نور ظلمت ستیز. درود بر شکوه زندگی. سپاس بر انسان سرفراز.

معلم، ای پاکباز زندگی ساز! ای گنج پر رنج! و ای آشنای بی گنج: تورنج های بی اجر و مزدت را با گنج سعادت دیگران ، چه صمیمانه سودا می کنی! و لحظه های فناشده وبی بازگشت زندگیت را به خاطر سعادت دیگران دوست می داری.

ای ارزنده ترین انسان ، ای معلم، ای تابش بی منت نور، تو آن نوری که از خویشتن دوری. تو آن مهری که بر دیگران می تابی و آن سوی تاریکی هایت را روشن می کنی. تو آن آفتابی که با تابش صمیمانۀ خود، آفاق دل ها را نور باران می کنی. تو آن مهتاب عالم آرایی که دنیای شب زدگان را روشن می کنی. تو آن ستاره یی که برشب دل ها می تابی. تو آن منارپر نوری که بابارش نورت گذرگاه زندگی را روشن می کنی. تو آن فجر تاریکی بر اندازی که با صبح سعادت دمساز گذشته یی. و تو آن حماسۀ خورشیدی که غروبت تا مرگت باور کردنیّ نیست.

معلم: ای فرماندار فرمان خدا، و تو ای تداوم بخش راه انبیا، بودنت پر بها، شکوهت بی انتها، راهت محتشم، آرمانت الهی، سینه ات گنج معانی، سخنت سفیر سعادت، صدایت ندای انسان دوستی، رنجهایت گنج خوشبختی، پیکارت مقدس، جهادت جاودانگی، شمع وجودت در ذوب شدن، سوختن و ساختنت تماشایی، کتاب زندگیت خواندنی و خاطرات یک عمر رنجهای روانفرسایت دریاد ماندنی است.

معلم: ای دارندۀ بهترین عنوان! تو آن باران زندگی و زندگی پروری که کویران زندگی را گلشن می کنی. تو آن شکوهی که از خویشتن دور مانده یی تو آن حماسۀ بلندی که برای شکوه انسانیت خویش سروده شده یی. تو آن گوهر بابهایی که صیرفی دهر، ارزانت خریده است. تو آن فرشتۀ خیری که اهریمن نادانی را با شمشیر قلم می کشی. تو آن عیسی دمی که با اعجاز علم، به نابینا، دیدۀ بینا می بخشی. تو آن سردار سرفراز اقالیم علمی که با تسلیح درس، بر لشکر جهل و ظلمت شبیخون می زنی. تو آن طلایه دار اسپاهان دانشی که همۀ دانش پژوهان، لشکر توست. تو آن پروانه یی که افسانۀ زندگی را با فنای خویش خواندنی تر کرده یی. و تو آن گنج فراهم آمده از رنجی، که با غنی طبعی به پویندگان دانش بخشیده شده یی.

معلم: ای انسان بزرگ! ای عمیق ترین معنی احتشام و جلال! و تو ای شکوه جاویدان، از توست که هر انسان ، همۀ گم شده هایش را در آگاهی ها و بینایی های خود پیدا می کند. از بودن توست که

معلم، ای شعر بلند انسانیت، رنجهای بی اجر و مزد ترا می ستایم که یادگاری از جوانی های فنا شدۀ توست

همۀ ارزش های والای دانش، با سرفرازی های ارزیابی شده یی، در چشم انداز داوری های تاریخ تظاهر می کند. از هستی توست که کتاب فرهنگ و تمدن به خواندنش می ارزد، و از زمزمۀ صحبت توست که انسان در عصر تسخیر فضا برای رهیدن از سر افگندگی های دوران جاهلیت خویش، اعجاز های علم ودانش را تجربه می کند.

معلم، آنگاه که بارسنگین و توانفرسای آرمان های فرهنگی - اجتماعی را در راستای رسالت خویش ، یک تنه بر دوش می کشی؛ هنگامی که آفتاب علم ودانش، و ماهتاب فهم و بینش، از خاوران جان تو می تابد؛ هر گاه که در کتاب آسمانی مان سوگند خدا را بر قلم تو ، و بر قلم دانش پژوهان می خوانم، و آنگاه که در محدودۀ

ای معلم به دستمزد همه افتخار هایی که می آفرینی، افتخارهای ابدی وسپاس های جاودانه نصیب تو باد!

رسالت تو تداوم راه پیامبران را احساس می کنم، دلم می خواهد همۀ سپاس هایم را و همۀ تحسین هایم را برمناعت مقام تو و شکوه انسانی تو نثار کنم. آنگاه که در صنوف درس ، عظمت رسالت معلمی خویش را دریاگونه به تماشا می گذاری؛ و در آن لحظه های با شکوه که به بخشندگی باران رحمت، گشتزارهای دل دانش آموزان را، و باغ جان دانش پژوهان را پر بار می کنی؛ هر آنگاه که صدای جان تو و ندای وجدان تو، همچون منادی سعادت، در اتاق های درس طنین می افگند، می خواهم همیشه در شعر من ، و در شعار من باشی: شعر وشوری که در دیوان دل ها خواهد ماند تا دیگران بخوانند و سپاست را فراموش نکنند.

ای معلم ، ای عاشق انسانیت، در دنیای پرآشوب کنونی که دل های خلایق، در آرزوی داشتن یک فرهنگ مبتنی بر موازین الهی - انسانی حسرت مندانه می تپد؛ در دنیایی که تکوین یک فرهنگ الهی پسند انسان پرور ، اولین شرط رهایی انسان ها از زور بارگی ها و بی عدالت ها ست؛ در جهانی که فریاد های التماس آمیز گمشدگان لب دریا، برای رسیدن به ساحل رستگاری ها، یک فرهنگ پالایش شده از آلایش های تمدن مسخ شده را تمنا می کند؛ در عالمی که فرهنگ بی تزکیه، و تمدن به انحراف کشیدۀ ملت ها، نمی تواند معانی راستین رستگاری را در گوش خلایق زمزمه کند، تنها تویی ای معلم، که با الفبای عشق به انسانیت، کتاب زندگی را پر می کنی ، و کشتی های توفان زده رانوح آسا ازیورش های هراسناک و بی امان جهالت می رهانی و کشتی نشستگان را به کرانه های رهایی بخش می رسانی.

معلم، ای شعر بلند انسانیت، رنجهای بی اجر و مزد ترا می ستایم که یادگاری از جوانی های فنا شدۀ توست. فداکاری های بی منت و بی گلایۀ تورا می ستایم که نمایشی از شکوه انسانیت توست. دل مهربان و انسان نوازت را می ستایم که آیین نامه های عشق به انسانیت را به هر زبان تفسیر می کند. ارزش های معنوی ات رامی ستایم که تنها بهانه ، برای تسکین دل توست، و همۀ انسانیتت رامی ستایم، که همۀ آن را به خوشی و خوبی به انسانیت پیشکش کرده یی.

معلم، توچشمۀ نوری که قطره قطرۀ آن در روح زندگی جاری است. تو آن نوری که با تاریکی های هراسناک حیات در ستیزی پیش از تونه نور دانستن بود که بر زندگی بتابد و نه فروغ علمی که عالم را بیاراید. این تو بودی که منار علم، انوار حکمت و دانش را بر شهر زندگی، ارمغان کردی. اگر تو نبودی ، روشنی نبود. آنگاه چه ارزشی داشت دنیایی به این بزرگی را در تاریکی دیدن و همۀ دانستنی ها را در تیرگی ها گم کردن؟ این تو بودی که سرزمین های فرورفته در هراس تاریکی را در رهگذر ظفر مندی های فرهنگ و دانش قرار دادی و انسان ها را با ارزش های والای زندگی آشنا کردی. پس ای معلم به دستمزد همه افتخار هایی که می آفرینی، افتخارهای ابدی وسپاس های جاودانه نصیب تو باد!

معلم کیست؟

استاد خلیل الله خلیلی

کیست می دانی معلم؟ آن که نازد سروری
بر همایون نام وی در زیر چرخ چنبری
تا ابد آواره می گردید در صحرای جهل
خضر ره بین گر نکردی عقل ما را رهبری
علم رخشان گوهری باشد بر اکلیل حیات
ارزش گوهر که داند گر نباشد گوهری
گوهر اندیشه را از تیرگی بخشد نجات
گوهری داند کمال صنعت روشنگری
پایهٔ وی از پدر والاتر آمد زانکه هست
ارتباط معنوی برتر ز ربط پیکری
ملک دانش ملک وی امانه با تیغ و سپاه
عرش حکمت زان وی لیکن نه با انگشتری
از فروغش آسمان فضل تابان تا ابد
همچو تابان چرخ گردنده زماه و مشتری
محو گشت آن روزها کز روم تا اقصای چین
گوش ها می گشت کر از نوبت اسکندری
لیک آواز ارسطو تا هنوز آید بگوش
از در هر مدرسه گر با تأمل بگذری
این جهان یک سر دبستان است و ما شاگرد آن
هان! تو تنها طفل را شاگرد مکتب نشمری
خود معلم نیز شاگرد است پیش روزگار
نو به نو درسی دهد ما را جهان، گر بنگری
آفرینش چون کتابی دان کز الفاظ ویست
قطره با این کوچکی دریا به آن پنهاوری
خرم آن آموزگاری کز فصول این کتاب
می کند ما را به تحقیق مطالب رهبری
چشم ما را می نماید آشنا با حرف حرف
زآنکه ننوشتند این جا هیچ حرفِ سرسری
سرزمین ما مقام اوستادان بوده است
با زبین از بلخ بامی تا باقصای هری
برسنایی بین که برتر رفته در سیر معاد
با عروج معنوی از پایگاه مشتری
بلخ بامی بوعلی دارد که (قانونش) هنوز
با (اشارت) شفا بخشا کند جان پروری
مولوی در خانقاه عشق شمعی بر فروخت
کز فروغش مقتبس گردید (شمس) خاوری
شوکت جامی نگر کز نور رحمانی هنوز
می کند بر هفت اورنگ معارف قیصری
موجها دارد چو دریا طبع خوشحال ختک
می نماید پیش طبع وی اباسین فرغری
نغمهٔ رحمان سرود ذوق می خواند بگوش
می کند همچون پدر ما را به عرفان رهبری
هست تعظیم معلم آیت عز و شرف
زانکه باشد پایهٔ وی از پی پیغمبری
ای خوش آن رهبر که در پیدا و پنهان پرورد
هم کمال بوعلی هم اعتقاد بوذری
روز تجلیل معلم جشن ارباب دلست
ای خوشا این جشن دلکش ای خوشا این دلبری

تاوان عمر گمشده

پروین اعتصامی

ای دوست، دزد حاجب و دربان نمی شود
گرگ سیه درون، سگ چوپان نمی شود
ویرانهٔ تن از چه ره آباد می کنی
معمورهٔ دلست که ویران نمی شود
درزی شو و بدوز زپرهیز پوششی
کاین جامه جامه ایست که خُلقان نمی شود
دانش چوگوهری است که عمرش بود بها
باید گران خرید که ارزان نمی شود
روشن دل آن که بیم پراگندگیش نیست
و زگردش زمانه پریشان نمی شود
دریاست دهر کشتی خویش استوار دار
دریا تهی زفتنهٔ طوفان نمی شود
دشواری حوادث هستی چو بنگری
جز در نقاب نیستی آسان نمی شود
آن مکتبی که اهرمن بدمنش گشود
از بهر طفل روح دبستان نمی شود
همت کن و به کاری از این نیک تر گرای
دکّان آز بهر تو دکّان نمی شود
تا ز آتش عناد تو گرمست دیگ جهل
هرگز خرد بخوان تو مهمان نمی شود
گر شمع صد هزار بود شمع تن دلست
تن گر هزار جلوه کند جان نمی شود
تا دیده ات ز پرتو اخلاص روشن است
انوار حق زچشم تو، پنهان نمی شود
دزد طمع چو خاتم تدبیر مار بود
خندید و گفت: دیو سلیمان نمی شود
افسانه یی که دستِ هوی می نویسدش
دیباچهٔ رسالهٔ ایمان نمی شود
سر سبز آن درخت که از تیشه ایمن است
فرخندهٔ آن امید که حرمان نمی شود
هر رهنورد را نبود پای راه شوق
هر دست دست موسی عمران نمی شود
کشت دروغ، بار حقیقت نمی دهد
این خشک رود، چشمهٔ حیوان نمی شود
جز در نخیل خوشهٔ خرما کسی نیافت
جز بر خلیل، شعله گلستان نمی شود
کار آگهی که نور معانیش رهبرست
بازارگان رستهٔ عنوان نمی شود
آز و هوی که راه بهر خانه کرد سوخت
از بهر خانهٔ تو نگهبان نمی شود
اندرز کرد مورچه فرزند خویش را
گفت این بدان که مورتن آسان نمی شود
آن کس که همنشین خرد شد، زهر نسیم
چون پرّ کاهی بی سر وَ سامان نمی شود
دین از تو کار خواهد کار از تو راستی
این درد با مباحثه درمان نمی شود
آن کو شناخت کعبهٔ تحقیق را که چیست
در اره خلق خار مغیلان نمی شود
ظلمی که عجب کرد و زیانی که تن رساند
جز با صفای روح تو جبران نمی شود
ما آدمی نئیم، از ایراک آدمی
دُردی کش پیالهٔ شیطان نمی شود
پروین، خیال عشرت و آرام وخورد و خواب
از بهر عمر گمشده تاوان نمی شود

دریری وینته

طنز ——— کامه وال

یوه سرِي له دوکاندار څخه ښه پريمانه سودا وکړه خو په نتيجه کي ورسره د اخيستل شوي سودا پيسي پوره نشوي نو دوکاندار ته يي وويل چي زه به يو امانت له تا سره کيږدم کله مي چي تاته دغه پاتي پيسي راوړي زما امانت به واپس راکوي. دوکاندار ورسره دا خبره ومنله سودا اخيستونکي خپله لمن وغوړوله د بسم الله او اعوذ بالله ويلو څخه وروسته ئي په ډير احتياط سره د خپلي مبارکي ږيري يو تار راوشکولو او دوکاندار ته يي په ډير تعظيم او اکرام سره ورکړو. ورته ئي وويل چي دا به د پاتي پيسو راوړلو پوري تاسره امانت وي.

چي ضايع درنه نشي کله مي چي پيسي درکړي دا امانت به ماته واپس راکوي.

دوکاندار ددي سړي لدي کاروايي څخه ډير په تعجب کي شو او په حيرانتيا سره يي تري وينته واخيستو او په خوله يي هيڅ ونه ويل خو په زړه کي ورته دا توکه ناشنا ښکاره شوه. څه وخت وروسته سودا اخيستونکي له کوره پيسي راواخيستي د ښار په لوري روان شو په نيمايي لارکي وربانـدي شپه راغله يوه کلي ته ورستون شو. يو سړي تري پوښتنه وکړه چي کاکاجانه کومي خواته دي تکل کريدي. ده ورته وويل د دوکاندار سره مي معامله ده اوس ورته پيسي وروړم او خپل امانت تري واپس اخلم. سړي په چرت کي شو او له خان سره يي دا تصميم ونيوه چي دا خو مفت تجارت دي او پوره ولجه ده.

سودا اخيستونکي سهار وختي روان شو او دوکاندارته يي پيسي ورکړي او خپل د مبارکي ږيري وينته يي واپس تري واخيستو. د کلي سړي د نژدي نه دا جريان تعقيبولو او دا ټوله معامله يي په خپلو سترګو وليدله. نو بله ورځ همغه دوکاندار ته ورغي او ښه پريمانه سودايي تري وکړه په آخر کي يي دوکاندارته وويل چي فعلاً خو ماسره څه پيسي کمي دي سبا بله ورځ به درته پيسي راوړم ترهغي به درته په اعتبار کي يو امانت در کړم دوکاندار وويل ډيره ښه ده. سړي په ډېره بي احتياطي خپلي ږيري ته لاس واچولو يوه ښه مشوره وينته يي تري وويستل او دوکاندار ته يي ونيول.

دوکاندار ورته لاندي باندي وکتل او ويي ويل چي دا هغه ږيره نده کومه چي تا ليدلي وه څه وروره لاړشه په مخي دي ښه د پردو پيسو ته خيته اوبوکي مه ږده. ترڅو چي ټولي پيسي رانه وړي سودا وړي نشي.

صدمه

قلندر مومند

لکـه يـو سـتړي مسـافر پـه تکـه تـوره شـپه کښـي
د خپـل منـزل پـه تکـل سـترګي د سـبا تـه ګـوري
او ناڅـاپي تـوري وريځـي پـه آسـمان خـوري شـي
اطراف تري ورک شي شپه ئي واخلي هري خواته ګوري
يـا د صـحرا يـو جـل وهلـي.د اوبـو پـه طمـع
دمارغـه پـر پسـي رادرومـي نخلسـتان تـه راشـي
چـي ناګهانـه بياسـته وشـليږي بوکـه ډوبـه شـي
او ځـو ازغـي ئـي د زړګـي تـل نـه زبـان تـه راشـي
دغسـي سـتا د رفاقـت پـه باچـائي لاره کښـي
زه بـي اسـري بـي وسـيلي او بـي آشـنا پـاتي شـوم
چـي د اميـد آب حيـات مـي پـه جهـان ويشـلو
لکـه د خضـر پـه ظلمـاتو کښـي تنهـا پـاتي شـوم

انتخابات پارلمانی و مسؤولیت های بزرگ مردم

سید ناصر تقدسی

شکی وجود ندارد که با گذشت هر روز با توجه به آنچه در افغانستان می گذرد، ضرورت برگزاری به موقع انتخابات و تشکیل شورای ملی بیشتر وجدی تر می شود. وضع امنیتی روبه وخامت است، جلو آدم ربایی و سرقت های مسلحانه گرفته نشده، فساد اخلاقی ، حیف و میل کمک های بین المللی ، سوء استفاده از بیت المال و صدها تخطی وخلاف رفتاری دیگر در حال افزایش است.

بدون شک اگر وضع به همین گونه ادامه یابد کشور نه تنها آباد و آرام نمی شود بلکه به طرف تشنج و بی ثباتی کشیده خواهد شد. متأسفانه علایمی هم وجود ندارد که به بهبود اوضاع و اصلاح امور بشارت دهد.

اکنون تنها مرجعی که مردم به عنوان یک مرجع اصلاحگر و تنظیم کنندهٔ امور کشور به آن چشم دوخته اند، پارلمان است؛ مردم امیدوارند که شورای ملی به دور از جناح بندی های سیاسی و ملحوظات سمتی، به کارهای کلان ملی توجه کند اما دلهره هایی وجود دارد که پارلمان آیندهٔ ما یک پارلمان واقعاً مردمی و کارآمد نخواهد بود و آن گونه که انتظار برده می شود، دردی را درمان نخواهد کرد؛ زیرا که تلاش هایی از جهات مختلف به راه انداخته شده است و دشوار به نظر می رسد که انتخابات ۲۷ سنبله به صورت آزاد و شفاف برگزار شود و برای مردم فرصت داده شود که نمایندگان مورد اعتماد خویش را آزادانه انتخاب کنند و به پارلمان بفرستند.

پارلمان در صورتی می تواند جلو خود سری ها را بگیرد و کارهای حکومت را به سود مردم و ترقی افغانستان سمت و سو دهد که نمایندگان واقعی، دل سوز و چیز فهم مردم در آن حضور داشته باشند و این نمایندگان بر پایهٔ یک سلسله معیار ها و ارزش ها، کارهای حکومت و نهاد های دولت را طوری به سنجش بگیرند که هم رضای خدا در آن نهفته باشد و هم خیر ملت افغانستان.

در این حال که شک و تردید های زیادی در پیرامون منصفانه بودن انتخابات پارلمانی آینده وجود دارد، این پرسش به ذهن می رسد که برای بیرون کردن کشور از وضعیت کنونی و بهبود بخشیدن به امور مملکت از طریق شورای ملی ، مردم، دانشمندان دینی و روشنفکران با رسالت چه مسؤولیت و مکلفیت دارند؟

به باور ما مردم، در انتخابات پیشرو، دو وظیفهٔ بسیار حساس و عمده بر عهده دارند که اگر آن را رعایت نکنند وظیفهٔ دینی خود را انجام نداده اند و در پشگاه خدا مقصر خواهند بود:

وظیفهٔ اول این است ، فردی را که می خواهند انتخابات کنند، کاملاً او را باید بشناسند و در دیانت و صداقت امتحانش کرده باشند و میزان کارایی او را برای کاری که انتخابش می کنند بدانند.

وظیفهٔ دوم این است فردی را که می خواهند به حیث نماینده در پارلمان برگزینند، فقط برای رضای الهی ومصلحت مردم وی را انتخاب کنند، و در انتخاب او هیچ انگیزه یی غیر از انتخاب اصلح که تنها راه تشکیل یک پارلمان مردمی و دلسوز است نداشته باشند.

البته ممکن است انگیزه هایی در وقت رأی دادن و گزینش افراد، در وجود انسان مؤثر باشد، از قبیل:

هر مسلمان، هنگامی که به پای صندوق رأی می رود باید خدا را در نظر داشته باشد و فقط برای رضای خدا و مصلحت اسلام و کشور اسلامی شایسته ترین فرد را انتخاب کند و به هیچ چیزی غیر از مصلحت اسلام نیندیشد

۱- انتخاب اصلح و مصلحت اندیشی به نفع دین و مردم ؛

۲- هوای نفس و خواسته های نفسانی؛

۳- روابط دوستی و گروه گرایی؛

۴- تعصبات نژادی،محلی، قومی وقبیله یی.

آنچه باید انگیزهٔ یک فرد مسلمان در انتخاب افراد باشد همان انگیزهٔ اول است و هر مسلمان، هنگامی که به پای صندوق رأی می رود باید خدا را در نظر داشته باشد و فقط برای رضای خدا و مصلحت اسلام و کشور اسلامی شایسته ترین فرد را انتخاب کند و به هیچ چیزی غیر از مصلحت اسلام نیندیشد و اگر مسلمانی در انتخاب افراد، انگیزه یی غیر از اسلام و رضای خدا داشته باشد، اگر با آن انگیزه فرد شایسته را انتخاب کند، شاید خیانت نکرده باشد ولی چون انگیزهٔ او خدا یی نبوده ، اجر وپاداش نخواهد داشت. و اگر با آن انگیزه فرد ناشایسته را انتخاب نماید، عمل او خیانت به خدا و رسول او شمرده می شود.

مسؤولیت ورسالت علمای ربانی و روشنفکران مسلمان در انتخابات پارلمانی آینده بسیار به مراتب بیشتر وسنگین تر از عام مردم است؛ چه مردم ما به دلایل مختلف از جمله عدم رشد فرهنگ و سطح پایین سواد، توانایی تشخیص و انتخاب افراد اصلح و کاردان را چنان که بایسته است ندارند، لذا برای تشخیص کاندیدا های مناسب و شناساندن آنان برای مردم، طبیعی ترین راه این است که علمای دینی و دانشمندان مسلمان و متعهد به دور ازدخالت کاندیداهای انتخاباتی و بستگان آنها و بدون کوچک ترین اعمال غرض و اعمال نظرهای خصوصی از همهٔ کاندیداها دعوت نمایند و با حفظ احترام به همهٔ آنها ، برای آنان جلسات سخنرانی تشکیل دهند و در آن مشکلات موجود کشور را مطرح نمایند. تا کاندیداها در سخنان خود راه حل هایی را که برای حل این مشکلات در نظر دارند، ارائه دهند و در ضمن سؤال های گوناگونی که توسط افراد، به گونه یی حساب شده طرح می گردد و کاندیداها پاسخ می دهند، میزان درایت واندیشه و مدیریت آنان به دست بیاید.

پس از سخنرانی ها و به دست آمدن میزان اندیشهٔ کاندیداها با توجه به سابقهٔ تقوا و دیانت و خدمت آنان که از متن زندگی شان به دست آمده است، علمای گرامی و دانشمندان دلسوز به شورو تبادل نظر بپردازند و بدون هیچ گونه تعارف و مجامله با حفظ ادب واحترام، نقاط ضعف و قوت هر یک را بگویند، مخالف و موافق صحبت کنند و سپس با اکثریت آرا یک نفر را انتخاب کنند و برای او تبلیغ نمایند.

افغانستان و امریکا پیمان ...

امریکا اشتراک نمود و دکترای افتخاری از آن دانشگاه به دست آورد.

حامد کرزی در مراسم به دست آوردن دکترای افتخاری در سخنرانی خود گفت: من بعد از سال ها انتظار دکترای افتخاری خود را از این دانشگاه به دست می آورم.

حامد کرزی گفت: در جهان تغییرات زیادی به میان آمده است، مگر متأسفانه هنوز هم جهان دچار منازعه، فقر، بی عدالتی و زیر پا شدن ارزش های اساسی بشری می باشد.

وی گفت: من به این باورم تا اندیشهٔ منافع ملی به اساس اصول اخلاقی تعریف مجدد گردد و این گامی است به سوی آیندهٔ مشترک ما. روی هم رفته در نهایت صفات انسانی ماست که ما را دور هم جمع خواهد نمود، در حالی که پیروی از منافع تنگ نظرانه ما را از هم جدا می نماید.

آقای کرزی گفت: هر باری که ما درد و اندوه دیگران را نادیده می گیریم، نه تنها بر ضد منافع خود عمل می نماییم بلکه یک بخشی از ارزش های بشری را نیز زیر پا می کنیم.

براساس یک خبر دیگر حامد کرزی روز یکشنبه اول جوزا با اعضای اتاق های تجارت امریکا ـ افغانستان در واشنگتن ملاقات نمود. در این ملاقات در مورد توسعهٔ تجارت و سرمایه گذاری در افغانستان بحث صورت گرفت. حامد کرزی از تاجران و سرمایه گذاران امریکایی خواست تا به افغانستان بیایند و در عرصه های تولید انرژی برق، ترانسپورت، راه آهن و صادرات میوهٔ تازه و خشک سرمایه گذاری نمایند. حامد کرزی و هیئت همراهش قبل از ظهر روز شنبه ۳۱ ثور جهت انجام یک مسافرت رسمی عازم ایالات متحدهٔ امریکا گردید.

در این سفر حامد کرزی را وزرای دفاع، اطلاعات و فرهنگ، زراعت، ترانسپورت و مشاور امنیت ملی، مشاور امور علمی و فرهنگی و مشاور امور بین المللی ریاست جمهوری و رئیس دفتر مطبوعاتی رئیس جمهور همراهی می کنند.

پرسیدلي تشکیلات

الکوزي

خلک واني په ډېرو قصابانو کې غوا مردارېږي، دا څکه چې هدف يو وي خو د هدف د سرته رسولو لپاره تصميم نيونکي او کارکوونکي بيا زيات وي، تجربې داسې ښودلي ده چې د تصميم نيولو يو واحد مرکزيت وجود و نه لري او تل له يوه ځايه قومانده او د کارکولو امر صادر نشي نو کار خرابيږي، چې څومره ديو هدفمند کار د سرته رسولو لپاره کسان زيات شوي نو ورسره يو ځاي خبري هم زياتيږي، شک او ترديد غلبه پيدا کوي او ددي پرځاي چې ستونزي او نيمګړتياوي له مينځه لاړ شي او اصلاحات رامنځ ته شي په اداري اصطلاح کاغذ پراني او سرګرداني زياتيږي.

اوس چې موږ وينو زموږ اداري اصلاحات هم په همدي تعامل روان دي، د اشخاصو لپاره وزارتونه معينيتونه او خپلواک رياستونه جوړيږي، حال دا چې د ولسمشر په انتخابي کړنلاره کې خلکوته وعده ورکړي شوي وه چې "موږ بايد په راتلونکي کې يوه کوچني مګر ماهره او متخصصه کابينه ولرو، موږ ته لازم نه دي چې په لسګونو وزارتونه ولرو بلکي موږ خپل يو شمير وزارتونه چې د دندو په لحاظ ورته والي لري، يو په بل کې مدغم کړو او يواځي هغه وزارتونه ژوندي وساتو چې هغه موږ ته کليدي او ډير مهم وي." خو موږ وليدل چې د ژمنې او عمل ترمنځ واټن شته نه يواځي داچې د وزارتونو شمير لکه څنګه چې لازم و را ټيټ نه شو بلکي يو شمير نوي لکه د ځوانانو او مخدره موادو او اقتصاد وزارتونه هم پري ورزيات شول.

هيله داوه چې د ځينو سره ورته وزارتونو په راکمولو سره به موږ ددي وس پيدا کړو چې د نوموړي وزارت په کلني بودجه خپل کوم اقتصادي، اجتماعي مشکل له مينځه يوسو کومه توليدي کارخانه به پري جوړه کړو، د خپلو بچيانو د روزني لپاره به پري د ښوونځيو ودانۍ آبادي کړو، د کرني او مالداري د پراختيا او پرمختيا په لاړ کې به تري کار واخلو خو دبده مرغه چې اوس مجبور يوو د بيا رغاوني د يو شمير دغسې ضروري کارونو پيسې د وزارت کالني بودجي ته ورکړو.

د ساري په توګه خلک واني چې د کار او ټولنيز چارو د وزارت په موجوديت کې د ځوانانو د وزارت څه اړتيا وه، د کرنې او مالداري وزارت تر څنګ د اوبو د زېرمو وزارت ولي جوړ شو، د کورنيو چارو وزارت د مخدره موادو د مخنيوي د معينيت په موجوديت سره چې د پوليسي ځواک په درلودلو سره ني خپل موثريت هم په تير وخت کې ثابت کړي دي د مخدره موادو د وزارت څه ضرورت و.

خلک دا هم واني چې زياتره دغه راز وزارتونه د ضرورت له مخي نه بلکي د اشخاصو لپاره او د مصلحت له مخي جوړ شوي چې د محترم کرزي د واکمنۍ په دوران کي به په مليونو ډالر د دوي په پنځه کلنه بودجه ولګيږي حال داچې کاشکي دغه راز بودجه زموږ د کورنيو عايداتو له سرچينونه جوړيدي، موږ د بهرنيو هيوادو له موقتي مرستي نه په استفادي سره لګيايوو اوس هم د اشخاصو لپاره وزارتونه او خپلواکي اداري جوړوو او ځينو دغو ادارو او وزارتونو ته د ټولنيز عدالت د اصل پر خلاف ډالري معاشونه ورکوو.

زموږ هيله داده چې د منتخب اولسمشر له خوا بيا هم د اداري ژورو اصلاحاتو د تطبيق په بهير کي زموږ ټول اضافي تشکيلات که د وزارت په سطحه وي او يا هم د کومي خپلواکي اداري او موسسي په بڼه له تشکيل نه وغورځول شي او ددي کار ترڅنګ د ټولو وزارتونو او د دولتي لوړ رتبه او ټيټ رتبه ادارو څخه دخپلو ورسپارل شويو دندو د سرته رسولو مياشتيني، شپږ مياشتيني او کالني رپوټ واخيستل شي، کارونه ني ارزيابي او د کار اغيزمنتياني وڅيړله شي او هر هغه چا چې په صداقت او ايمانداري خپلي ورسپارل شوي دندي سرته نه وي رسولي له هغو نه کلکه پوښتنه وشي.

د دولتونو له خوا د مکافات او مجازات سيستم يو ضرورت دي چې بايد پاکو، هيواد پالو او پرهيزګارو کارمندانوته مکافات او نا پاکو بدو خورو او بيروکراتو کسانوته مجازات ورکړي شي ترڅو د نورو د پند او عبرت لامل شي او په راتلونکي کي څوک د خيانت او ناوړه استفادي جرات و نه کړي.

مجاهدین و از واقعیت های باور نکردنی!

همنوا

صبح روز پنجشنبه ۲۲ ثور هنگامی که می خواستم به محل کار بروم، نگاهم به یک موتر بزرگ باربری افتاد که دو سه نفر مشغول بار زدن آن بودند. با تعجب از برادری که به اصطلاح از اینجا کوچ می کرد، پرسیدم: خیریت است؟ گفت: میعاد قرارداد منزل ما به پایان رسیده و مجبور به تخلیهٔ آن هستیم!

– مگر شما این خانه را نخریده بودید؟

– خیرا! برای مدت یک سال به کرایه گرفته بودیم

– آیا اکنون به خانهٔ شخصی تان می روید؟

– نه! از یک خانهٔ کرایی به خانهٔ کرایی دیگر!

واقعاً برای من باور نکردنی بود... از مدت یک سال با این برادر آشنا شده بودم وگاه گاهی در مسجد و یا دکان های محل باهم می دیدیم ولی هرگز به منازل یکدیگر نرفته بودیم. در مورد او معلومات کافی نداشتم ولی می دانستم که عضو ارشد یکی از تنظیم های جهادی است و از نخستین مجاهدین و مهاجرین پس از کودتای ثور می باشد. صدای او را از رادیوها در دفاع از جهاد و مجاهدین می شنیدیم ویکی دوبار در تلویزیون نیز دیده بودیم وبعضی از نوشته های او را در یکی از هفته نامه ها نیز خوانده بودم. بر این بنا بود که باورم نمی شد که این خانه ازاو نباشد و در یک خانهٔ کرایی به سر ببرد و اکنون به یک خانهٔ دیگر کوچ کند!

زیرا اکثر مردم و به خصوص ما شهریان کابل تصور می نماییم که افراد بلند پایهٔ تنظیم های جهادی همه دارای بلند منزل ها، خانه ها و موتر های لوکس وجدیدند و در رفاه و آسایش کامل به سر می برند!

با خود گفتم، ما چرا این قدر بی انصاف هستیم و چرا هر مجاهد را یک قوماندان تصور می نماییم و آنهم قوماندانی که حق مردم را غصب و از طریق حرام صاحب منزل وبلند منزل شده است؟!

آیا همهٔ مجاهدین، قوماندانان بوده اند؟! و آیا همهٔ قوماندانان مجاهد حق و ملکیت های مردم را غصب کرده و صاحب ثروت و دولت شده اند؟!

ولی به همه حال در حیرتم که این دوست ما چرا در دفاع از جهاد و مجاهدین این همه می نویسد و در رادیوها ها گلو پاره می کند، در حالی که از برکت دولت مجاهدین و ثروت های جهاد حتی صاحب یک خانهٔ شخصی نیز نشده است؟!

کجا هستند جمع غفیر وزرا، معینان، سفرا و قوماندانان قول اردوها و فرقه های دولت مجاهدین که در این روزهای سخت و دشوار از حیثیت و آبروی جهاد و مجاهدین دفاع نمایند؟! زیرا اکثر آنها از خوان نعمت جهاد و دولت مجاهدین – با اشتهای سیری ناپذیر – بهره برده اند وباید همان بار دفاع از جهاد و دولت مجاهدین را به دوش بکشند نه خانه بدوشان جهاد!

به امید صاحب خانه شدن دوست خانه به دوش!

به مناسبت روز معلم

ضرورت استراتژی جدید در معارف کشور

عبدالعلی کوهی

افغانستان از سال هایی دراز بدین سو، فاقد یک استراتژی سراسری در معارف کشور بوده است، با وصف آن که در سپیده دم قرن بیستم گام هایی بلند در این راستا برداشته شده است اما کافی نبوده است. طی این سال ها جریان های حاکم در افغانستان از معارف متوازن، توسعهٔ معارف وغیره سخن گفته اند.

در این سال ها نه تنها زیر ساخت های اقتصادی در کشور صدمهٔ فراوان دیده است، بل زیر ساخت های تعلیمی و فرهنگی نیز مورد دستبرد وبی تفاوتی قرار گرفته است. گفته شده است در سال جدید تعلیمی حدود شش میلیون دانش آموز، روانهٔ مکتب شده اند. این تعداد از شاگردان به یقین به مکتب، معلم و فضای مناسب آموزشی نیاز دارند، صرف نظر از این که در جامعه به صورت کل یک نوع عقدهٔ حقارت وجود دارد، بحران اعتماد در جامعه بیداد می کند، فضای آموزشی در مکاتب متشنج است، یک شیوهٔ تاریخ زده در سیستم آموزش و پرورش هم اکنون حاکم است. حتی در برخی از موارد در شهرهایی بزرگ چون شهرکابل چه رسد به روستاها بین معلم، شاگرد و مسؤولان تشنج به میان می آید از متد وشیوهٔ جدید تدریس خبری نیست، سیستم لت و کوب و توهین شاگرد در بسیاری از مکاتب از سوی معلم و مسؤولان مکاتب یک امر قبول شده تلقی می شود. تا کنون کسی مفهوم شاگرد محوری را درست درک نکرده است.

به شخصیت شاگرد کمتر توجه صورت می گیرد، وقتی شاگرد محیط مکتب را سالم درک نکرد به یقین او با عقده مندی به جوانی می رسد، و در چنین حالت، مکتب خود بحران زاست که نمی توان از کنار آن به آسانی گذشت. پایین بودن سویهٔ درس و تحصیل که ریشه در نابسامانی کشور دارد و مانع تطبیق برنامه های دولت در عرصهٔ آموزش و پرورش می گردد. گفته شده است که هزاران تن از معلمان مسلکی وظیفهٔ خود را رها کرده اند و یا در حال رها کردنند، و به یقین جای آن ها را اشخاص غیر مسلکی و کم سواد در مکاتب پر می نمایند.

کسانی که در وزارت دفاع وظیفهٔ خود را از دست داده اند، بدون این که برای آنها فن آموزش و پرورش آموختانده شود، به شغل معلمی رو آورده اند. همین گونه اشخاصی که در شهرهای بزرگ از ادارات دولتی و یا از وزارت خانه ها نظر به بی کفایتی و کمبود سواد، از تشکیل حذف گردیده اند در معارف جذب گردیده اند، که این گونه مقرری ها نمی تواند جواب گوی خواسته های معارف مدرن در کشور باشد.

بارها گفته شده است که عده یی با اسناد جعلی برای خود وظیفهٔ معلمی پیدا نموده اند. کمبود مزمن معلم در کشور، وزارت معارف را به این امر واداشته است. یعنی دولت ظرف این سال های اخیر فقط خواسته است، تشکیل مکتب را پر نماید نه معلم را. همه روزه وزارت محترم معارف، سرگرم کار امتحان و تشخیص اسناد افرادی است که از مؤسسات خصوصی، سند فراغت با خود دارند، و اکثریت این اشخاص وارد مکاتب کشور خواهند گردید و به کار معلمی خواهند پرداخت. آیا می شود با این اشخاص تکنولوژی معاصر را در مکاتب به نسل نو انتقال داد؟ و پاره یی از نیازمندی های ساینس و علوم طبیعی را مرفوع ساخت؟

همان گونه که ما در مکاتب خویش مکلفیت داریم تا ارزش های دینی و ملی ما حفظ گردد ضرورت احساس می گردد تا زمینه های انتقال علوم جدید که حیات مادی ما بدان بستگی دارد، از طریق مکاتب در نظر گرفته شود.

به این دو خواست و ضرورت در معارف کنونی افغانستان نیاز عظیمی وجود دارد که ایجاب تفکر عمیق را می نماید.

امروز در متن جامعهٔ افغانستان علاقه به معلم شدن کم تر وجود دارد طوری که در کانکور سالیانهٔ تحصیلات عالی پایین ترین نمره برای دارالمعلمین ها و کانون های تعلیم و تربیه در نظر گرفته شده است. حتی خطابه های مسؤولان دولتی جاذبهٔ چندانی برای معلمان ندارد. اگر دولت با پالیسی و استراتژی مشخص وارد میدان نگردد و این وضع برای چند سال دیگر ادامه یابد، آیندهٔ افغانستان از نظر آموزش و پرورش تاریک و مبهم خواهد بود.

> **به شخصیت شاگرد کمتر توجه صورت می گیرد، وقتی شاگرد محیط مکتب را سالم درک نکرد به یقین او با عقده مندی زیادی به جوانی می رسد، و در چنین حالت، مکتب خود بحران زاست که نمی توان از کنار آن به آسانی گذشت**

عدم توجه به وضع نامیمون معلمان به یقین ضریب اشتباهات مسؤولان را بلند خواهد برد. مطبوعات کشور در این هفته خبر داد که مشاوران وزارت ترانسپورت، ماهانه شصت هزار دلار به دست می آورند، اما فهمیده نمی شود که این مشاوران کدام گره از گره های ناگشودهٔ ما را باز خواهند کرد. معاش کلان دادن به یک خارجی آن هم به عنوان مشاور که وظیفه اش چندان مشخص نیست، استراتژی نیست، بلکه در این وقت افغانستان به کشوری بدل شده است که برای خارجیان معاش کلان تهیه می نماید. نتیجهٔ این بحث این است که پول های کلان از این کشور فقیر دوباره به اروپا سرازیر می شود و آن هم از آن پول هایی که نامش را گذاشته اند کمک های بلاعوض جامعهٔ جهانی و این کمک های کشورهای دوست جای داشت که در یک استراتژی ملی در عرصهٔ زیر ساخت های اقتصادی افغانستان از جمله معارف به مصرف می رسید. این گونه بی تفاوتی نه تنها علاقهٔ معلم را به شغل معلمی کم رنگ می سازد، بلکه هرکارمند دولت را به آیندهٔ کشورش بی باور می سازد. باید بپذیریم که عدم رشد کیفی در عرصهٔ آموزش و پرورش سایر زیر ساخت ها را متضرر می سازد. ما به یک افغانستانی نیازداریم که در آن عقلانیت باید جای بی سوادی را بگیرد و کشور چهرهٔ جدید اقتصادی، تعلیمی و فرهنگی پیدا نماید باید معلمان را دستگیری کرد و دغدغه های آن ها را کاهش داد و برای آیندهٔ افغانستان ظرفیت سازی نمود و این ظرفیت سازی و سرمایه گذاری در معلمان از وظایف اساسی دولت محسوب می شود. ما می خواهیم در آینده نیرومند زندگی نماییم، باید شرایط و زمینه های آن را جستجو نماییم و سنگ بنای این توانایی را همانا توانایی علمی، تربیتی و فرهنگی می سازد. سرمایه گذاری و تعیین استراتژی در زمینه های آموزش و پرورش ظرفیت سازی در افغانستان را در دراز مدت تشکیل می دهد؛ زیرا توان مند زیستن ریشه در توان مندی های علمی دارد که در قبال خود توانایی های اقتصادی را به دنبال می آورد.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که استراتژی فراگیر و جامع در عرصهٔ معارف روی دست گرفته شود تا معارف کشور از حالت انجماد و بی کفایتی به حرکت بالفعل تبدیل گردد، توان بخشیدن به معارف کشور، در حقیقت توان بخشیدن به آحاد جامعه است. در این استراتژی ملی ایجاب می کند که در پیرامون محو بی سوادی، انتقال اطلاعات ضروری از طریق معلمان مسلکی به شاگردان، ارتقای سطح معارف در کشور، توسعهٔ نصاب تعلیمی، تقویهٔ زبان های ملی، آگاهی از گذشته های فرهنگی، روحیهٔ وطن دوستی و تعمیم فرهنگ سراسری در چارچوب هویت ملی و توجه به علوم و تکنولوژی معاصر در نظر گرفته شود، و این کار به یقین برنامه ریزی درست و مسؤولیت ملی از کارکنان ارشد معارف می خواهد.

گفتند و ...

سخنان رئیس جمهور در امریکا

در کنفرانس مطبوعاتی مشترک کرزی و بوش در امریکا، از حامد کرزی در مورد مظاهرات خشونت بار اخیر در افغانستان سوال شد. ایشان فرمودند که این مظاهرات برضد امریکا نبود بلکه علیه راپوری بود که مجلهٔ نیوزویک در مورد بی حرمتی به قرآن مجید در زندان گوانتانامو به نشر رسانیده بود!

اگر آقای رئیس جمهور گمان می کنند که با چنین سخنان می توانند خبرنگاران را فریب دهند اشتباه کرده اند. زیرا رسانه های خبری گزارش های مفصلی از به آتش کشیده شدن پرچم امریکا و آدمک شبیه رئیس جمهور بوش را مخابره کرده بودند.

آیا بهتر نبود که رئیس جمهور ما به جای کتمان حقایقی که همه از آن آگاهند، صادقانه از مشکلات موجود در افغانستان با امریکایی ها سخن می گفت؟ کرزی قبل از سفر در یک کنفرانس مطبوعاتی با تندی تمام از کشته شدن زندانیان افغانستان در بگرام انتقاد کرد و گفت که موضوع زندانیان افغانستان در زندان های امریکایی ها را با رئیس جمهور بوش در میان خواهد گذاشت اما این سخنان وی یاد آور ضرب المثل "زور کم قهر بسیار" بود!

تأخیر ابراز خشم از جانب رئیس جمهور به خاطر کشته شدن دو شهروند افغانستان در سه سال قبل به دست سربازان امریکایی به این معنی است که این خبر کمی دیر به ایشان رسیده است هرچند که خبر این کشتار در همان زمان هم در نشریات داخلی منعکس شد اما مشخص است که یا آقای کرزی اخباری را که از طرف منابع خبری داخلی داده می شود تعقیب نمی کند ویا این که آن را معتبر و موثق نمی داند.

در قسمت های قبلی گفته شد که از جمله چالش های بازسازی شخصیت انسان بیماری، و ضعف اراده است که انسان با موجودیت این دو مانع نمی تواند عادات نا پسند خویش را تغییر دهد. در این بخش راهکارهای رهایی از این گونه عادت ها را بیان می گردد.

انسان زمانی که به انجام کارهای ناپسند نزد تمرین و آموزش عملی را می طلبد و چنان که صحت مندی و خوراک مناسب از پیش شرط های نموی عضلات جسمی می باشد، اعتماد و حاکمیت بر نفس و پروردن روان با احساسات مثبت به جای احساسات منفی از پیش شرط های رشد اراده است و این حقیقتی است که هر انسان با در نظر داشت این شرایط می تواند عادت های پسندیده را جای گزین عادت های نکوهیده کند.

چگونه می توان از عیب های شخصیت خویش رهایی یافت؟

راهکار های تغییر عادت های ناپسند ۴

از منابع عربی — ترجمهٔ محمود الله فیروز

خودش وجامعه یی که در آن زندگی دارد، معتاد شود همین اعتیاد را عادت می نامند اما برخی از انسان ها تا کنون در تغییر عادات شان موفق نشده اند. مثلاً انسانی که معتاد شده است، قبل از صرف نمودن صبحانه باید سگرت بنوشد تمام کوشش هایش در امتناع از این عادت ناپسند به هدر می رود و مأیوس می گردد از این که آیا وی توان مندی تغییر همین عادت را دارد یا خیر؟ بدون شک استفاده از سگرت و دیگر مواد مخدر به صحت انسان مضر

اما گروهی از غیر متخصصان، روش مزبور را جهت نیرو بخشیدن به اراده، رد می کنند و زیانی را که ناشی از اجتناب انسان از امیال و رغبات هایش است، تأکید می ورزند و این کار منافی قاعده های عرفی و اخلاقی است اما می توان به گونهٔ نمونه کارهای معجزه آسای طبقهٔ روحانیت و اهل ریاضت هند را برای پروردن و نیروبخشیدن اراده بازگو کرد.

زمانی که انسان مصمم به تغییر عادتش می

کسانی که دارای عیب های ناپسند هستند، باید بدانند که هرگز به رهایی از عادت های ناپسند موفق نمی شوند ما دامی که فقط و فقط به ترک آن ها اقدام نمایند بلکه به این مفکوره باشند که پس از ترک گفتن عادت های ناپسند، عادت های پسندیده را در خویش نهادینه کنند

است ولی اکثر انسان ها به آن مبتلا هستند و نمی توانند از آن رهایی یابند و همان پرستاری که بیمار معتاد به مواد مخدر را از ضرر و زیان آن آگاه می سازد و بیمار را به رهایی از آن رهنمایی می کند،

خودش مأیوس گشته است از این که بیمارمعتاد به مواد مخدر بتواند از این عادت ناپسند رهایی یابد.

اما نباید این گونه اشخاص را ملامت کرد و همان گونه که گفته آمد رهایی یافتن از عادت های ناپسند کاری آسان نیست بلکه با کوشش و تلاش خستگی ناپذیر و ارادهٔ توان مند، انسان می تواند عادت های ناپسندش را تغییر دهد.

به این اساس هر فرد پیش از این که بفهمد چگونه عادتش را تغییر دهد؟، باید مطمئن شود همان گونه که وی توانایی رشد دادن به عضلاتش را دارد می تواند اراده اش را نیز رشد بدهد و این کار

شود، اول تر از همه باید به کارهای مناسب حالش اقدام نماید سپس به تدریج به پیش گام بردارد و این کار ضامن کامیابی وی در تغییر عادتش است و هرگاه به جایگزین نمودن صفات و عادات پسندیده

به جای عادات نکوهیده پیروز شد، اینجاست که وی از دیگران متمایز می گردد ولی عادت کردن به آن، بالای شانه هایش سنگینی می کند اما وی ناگزیر است که آن را تحمل کند.

بهتر است سرگذشت یکی از دوستان را که همیشه نسبت به زندگیش بدبین بود ودنیا را از لابلای عینک های دودیی می دید که هرچیز برایش سیاه معلوم می شد و نیز رنگ سیاه را می پسندید اما وقت آن فرا رسید که دوستانش از وی دوری گزینند و او را تنها بگذارند، نامبرده نقص خود را درک کرد و تصمیم گرفت که بعد از آن راستکار باشد و هیچگاه بار دوش دیگران نشود و نیز خود را متیقن ساخت، سبب دوری گزیدن دوستانش از وی که آزار دهنده است ناشی از عیب های شخصیتش می شود. بنا بر آن او آماده شد تا عادتش را تغیر دهد و نسبت به زندگانی خوشبین باشد اما تنها به همین اکتفا نکرد که بعد از این به سوی رنگ سیاه نگاه نمی کند و یا نسبت به هر چیز بدبین نمی باشد بلکه سعی کرد تا عادت های پسندیده و نیکو را جایگزین عادت های ناپسند در شخصیتش نماید.

و کسانی که دارای عیب های ناپسند هستند، باید بدانند که هرگز به رهایی از عادت های ناپسند موفق نمی شوند ما دامی که فقط و فقط به ترک آن ها اقدام نمایند بلکه به این مفکوره باشند که پس از ترک گفتن عادت های ناپسند، عادت های پسندیده را در خویش نهادینه کنند. در این صورت همه به سوی این گونه اشخاص به دیدهٔ احترام می نگرند و به آنها ارج می گذارند.

لازم به تذکر است که عدم حاکمیت بر نفس مشکل اساسیی است که انسان از وجود آن رنج می برد ونمی تواند به تغییر عادتش موفق شود.

انسانی که سعی می کند بر نفسش حاکم گردد، در واقع می تواند با دیگران روابط خوب داشته باشد...

انسانی که بر نفسش حاکم شود، واقعاً انسانی است دارای فکر قوی، ایمان محکم، اعتماد مطلق بر نفس...

و انسانی که بر نفسش حاکم شود، هنگام قهرش، سعی می کند بخندد و به بسیار آهستگی حرف بزند تا قهرش فروکش کند بدون این که عصبانی شود و یا عکس العملی از خود نشان بدهد.

پس بر انسانی که می خواهد بر نفسش حاکم شود، لازم است تا نفسش را در مقابله با مشکلات قانع سازد و همیشه مراقب خویشتن باشد، همچنان به نکات منفی شخصیت خود اعتراف کند و به آنچه که باعث خشمش می شود سعی نماید مواجه نشود و در این حالت سکوت اختیار نماید ـ البته به جز از مواردی که توهین به مقدسات دینی محسوب می شود ـ.

انسانی که می خواهد بر نفسش حاکم شود، با صبر و حوصله باشد و مراحلی را که در یک شبانه روز سپری کرده است، باید ارزیابی نماید و ببیند که امروز ۵۰ در صد بر نفسش حاکمیت پیدا کرده است، بعدها این قوه در مدت کم باید به نود در صد افزایش یابد.

عموماً هدف از روش های مذکور بازسازی شخصیت است اما حاکمیت بر نفس یگانه سلاحی است که به واسطهٔ آن انسان می تواند به زدودن عیب ها از شخصیتش و رهایی از عادت های نا پسند موفق شود.

ادامه دارد

وعده های دولت چه زمانی ...

ما فکر آرام به اولاد این کشور چیزی بیاموزانند. او در مورد نبود جای مکاتب گفت: شاگردان هنوز هم زیر آفتاب سوزان و زیر باران و در خیمه درس می خوانند.

محمد ابراهیم رضایی معاون تدریسی لیسهٔ همایون شهید، تغییرات آمدده در معارف کشور را اندک می داند و می گوید:

جنگ های بیست و سه سالهٔ افغانستان، معارف این کشور را صد سال به عقب گردانده است، که باید با از بین رفتن جنگ به زیر بنای معارف اولویت داده می شد که نشد.

عدم وسایل درسی، کمبود معلمان مسلکی و مجرب، عدم شرایط مناسب معلمی، نبود صنف از جملهٔ مشکلاتی است که در صدر نیازمندی ها قرار دارد. نامرده از دیاد شاگردان معارف را یکی از مشکلات دیگر دانست و گفت: متأسفانه با ازدیاد تعداد شاگردان بر تعداد معلمان افزوده نمی شود و مکتب ها به کمبود معلم مواجه می شود چنان که همین اکنون مدیران، معاونان و سر معلمان بر علاوهٔ وظیفهٔ مشخص شان وظیفهٔ تدریس را هم به پیش می برند. آقای رضایی مشکل آب آشامیدنی مکاتب را نیزجدی خواند و گفت که پیشنهادات ما مبنی بر مشکل نبود آب آشامیدنی، برای شهرداری کابل قابل سمع نبوده و بر آن توجه صورت نمی گیرد.

غلام حسن الیاس آمر مکتب متوسطهٔ چهل دختران در پهلوی مشکلات معارف بر مشکلات مکتب چهل دختران نیز اشاره کرد و گفت:

شاگردان مکتب متوسطهٔ چهل دختران در یک حویلی کرایی به دروس خویش ادامه می دهند.

این مکتب نه کرسی و میز ونه تختهٔ سیاه دارد، و از طرف وزارت معارف هم به این مکتب هیچ گونه توجهی صورت نگرفته است.

در مکتب چهل دختران ده در صد کتب درسی وجود ندارد، این در حالی است که امتحانات هم قریب است و دولت هم ادعای معارف والا رادارد.

او در مورد وضع معیشتی معلمان گفت:

اگر دولت به وعده هایش وفا ننماید معلمان ما وظیفهٔ خود را نمی توانند پیش ببرند.

خانم حفیظه همایون معلم لیسهٔ مسلکی زنان که امسال به حیث معلم ممتاز کشور انتخاب شده است از این که لیسهٔ مذکور مربوط وزارت معارف شده است ابراز خوشنودی نمود و گفت:

لیسهٔ مسلکی زنان با سابقهٔ پنجاه سال امسال توانست به وزارت معارف وابسته شود.

او در قسمت مشکلات معلمان گفت:

افغانستان وارد حیات سیاسی تازه گردیده است و مشکلات در همه عرصه ها وجود دارد اما معلمان ما باید در فکر تربیهٔ اولاد وطن باشند.

ما هم امیدواریم که وعده های دولت عملی گردد تا ما بتوانیم به خدمت اولاد این وطن خوبتر رسیدگی نماییم.

خانم حمیده امید مدیر لیسهٔ مسلکی زنان گفت:

"معلم افتخار جامعه می باشد و تمام اولاد کشور از برکت آنها به ثمر می رسند، متأسفانه در افغانستان به این پدیدهٔ بزرگ هیچ نوع توجهی صورت نگرفته است در زبان بسیار گفته اند اما در عمل اندکی هم برای بهتر شدن زندگی آنها کار نکرده اند.

مشکلات معلم به ویژه درکشورمابسیارزیاد است.

معلم خانه ندارد، معاش کافی ندارد، سه ماه گذشته است که معاش ما را نداده اند، با آنهم ما از وزارت معارف سپاسگزاریم که ما را با جبین گشاده قبول کرد اما مسؤولان وزارت معارف باید متوجه باشند معلمانی که سه ماه معاش نگرفته اند چه حالتی می داشته باشد.

ندیم

زندانونه او دهغو ...

دهر ډول جزا ورکول غیر قانوني او بې بنسټه بولو، داسې ویل کیږي چې زموږ ائتلافي دوستان په افغانستان کې نږدې شل بندیخانې لري زیاتره بندیان ئې د کندهار او د کابل د بګرام په زندانونو کې ژوند کوي او په دغو زندانونو کې د بشري حقوقو سیمه ییزو سازمانونو او یا هم د نړیوالو بشري حقوقو د سازمان څارونکوته اجازه نه ورکول کیږي چې د بندیانو په باب معلومات تر لاسه کړي او له نږدې نه دهغوي حالات وګېږي.

د هر افغان هیله داده چې له افغاني بندیانو سره که په ګوانتانامو کې وي او یا هم په افغانستان او بل ځای کې باید د ژنیو د کنوانسیون له مخې چلند وشي، د هغوي خورول، ربړول، وژل او یا تري په زوره تحقیق اخیستل دهري مدني ټولني د ټولو مدني قوانینو او ضوابطو پرخلاف کار دي چې زموږ د اجتماعي او را که بیشتر با تکیه بر ارزش ها و سنت هاي دیني به دست اورده بود درمیان مردم به شدت صدمه زده و ادعاها و شعارهاي دیني دولت را سخت زیر سوال قرار مي دهد.

ترهګرو په وړاندې نړیوال ائتلافي ځواکونه باید تري په خپلو بندیخانو کې ډډه وکړي. د بندیانو د روغتیا ساتل، مناسب او په وخت خوراک ورکول، دهغوي د استوګني لپاره مناسب ځای ټاکل او په خپل وخت د هغوي په اړوند دوسیو غور او څېړنه دا د دیموکراسي اصل او د بشر د حقوقو سپارښتنه ده چې باید په بندیخانو کې ورته کلکه پاملرنه وشي.

زموږ هیله داده لکه څرنګه چې پخپله ولسمشر ورته اشاره وکړه باید د ائتلاف د ځواکونو ټولي بندیخانې د عدلیې وزارت په چوکاټ کې راشي ترڅو له هر مظنون سره د هغه د جرم له ثابتیدو وروسته د اسلامي او مدني قوانینو له مخې چلند وشي او هم ئې ټولو انساني، اسلامي، حقوقو او عقایدوته ژور درناوي وشي. دا کار ځکه ضروري دي چې په راتلونکي کې به د ګوانتانامو په څیر د ځینو پیښو د پیښیدو پخپل وخت مخنیوي شوي وي او هم به زموږ سیاسي واکمني ته درناوي وي.

روز معلم با شکوهی ...

آمده است: ما در سه سال گذشته شاهد آن بودیم که معلمان در نابه سامان ترین شرایط معیشتی و محیطی به تربیت اولاد این کشور پرداختند ما از آنها ابراز سپاس می نماییم" در این پیام وعده داده شد که یک سیمینار علمی جهت رشد کیفی دانش معلمان و برنامه های دیگری نیز در این مورد در نظر گرفته شده است.

همچنان در این پیام از تخصیص بودجهٔ دولتی جهت اجرای معاش منطقوی وعده شده در سالهای گذشته و توزیع یک یک نمره زمین جهت ساختن خانه در مناطق کار معلمان برای آنان تذکر رفته است.

در پیام گفته شده: باور دارم که مردم ما همان طوری که از جهاد علیه اجانب موفق بدر آمدند تعلیم و تربیه کشور را نیز موفقانه سپری خواهند نمود. خانم پروین سادات به نمایندگی از معلمان صحبت نمود و از مقامات خواستار توجهٔ بیشتر در زمینهٔ رشد معارف و توجه به معلمان شد.

در لابلای برنامه ها در وصف معلم سروده هایی خوانده شد و همچنان پارچه های تمثیلی که بیانگر وضع نامناسب معیشتی معلمان بود توسط کودکان مکاتب به اجرا در آمد که مورد توجه حاضران قرار گرفت. ودر آخر این همایش تحایف و جوایزی نقدی از طرف وزارت معارف به معلمان ممتاز سراسر کشور اهدا گردید و همچنان نشان معارف ازطریق وزیر معارف به کریم خلیلی معاون دوم ریاست دولت اهدا شد.

ملکیار

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۹ چهارشنبه ۴ جوزا ۱۳۸۴ ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۲۶ – 25 May 2005

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

ستره محکمه و حرف های تازه!

به سلسلهٔ تغییرات در ستره محکمهٔ مؤقت تصمیم گرفته شد تا هشت دیوان ستره محکمه به چهار دیوان تقلیل یابد.

از آنجایی که قبل بر این هشت تن از اعضای شورای عالی هرکدام ریاست یکی از دیوان ها را به عهده داشتند، با تغییر جدید باید چهارتن از آنان تنزیل از پست ریاست به معاونت را می پذیرفتند و به این ترتیب دو دو نفر در هر دیوان توظیف می گردیدند که یکی رئیس و دیگری معاون می بود. مشکل این بود که این انتخاب چگونه صورت می گرفت.

محترم قاضی القضات پس از این که هشت نفر را به چهار دیوان جدید توظیف نمود طی مکتوبی متحدالمآل رسماً از آنان خواست تا خود در میان خویش در مورد این که چه کسی رئیس و کدام یک معاون باشد تصمیم بگیرند. اگر آنان به این کار موفق نشدند در آن صورت شخص قاضی القضات در مورد تصمیم خواهد گرفت.

قاضی القضات به صورت شفاهی به آنان گفت: در صورتی که یکی به دیگری تن نمی دهند می توانند میان خود قرعه بیندازند ویا با هم کشتی بگیرند!

اما قاضی القضات ضمن تشویق به گذشت و حل مشکل از راه تفاهم، داستان عالمانه و عبرت آموز آتی را به آنان حکایت کرد: در منطقهٔ شینوار شخصی گاو خود را برای نگهداری به شخص دیگری سپرد با این شرط که نگهدار به مالک گاو نیمی از سرگین گاو را بدهد و نیمهٔ دیگر را برای خود نگهدارد اما بعداً مالک گاو مدعی شد که نگهدار به او سهم کم تر داده است. نگهدار در جواب گفت که برادر! چه فرق می کند اگر یک تکری من بیشتر خورده باشم یا تو بیشتر خورده باشی! بیا بین خود اختلاف نکنیم!

بازهم سخن ازمتخصصان تقلبی

رئیس کمسیون مبارزه با رشوت و فساد اداری در یک کنفرانس مطبوعاتی بار دیگر چلوصاف کابینهٔ متخصص را از آب کشید. وی گفت بسیاری از آنانی که به عنوان متخصص به افغانستان آمده اند اسناد تحصیلی جعلی دارند و اسناد شان از طرف مراجع مربوط مورد ارزیابی قرار نگرفته است.

" طبیعی است که وقتی مدارک تحصیلی افغانهای از خارج آمده مورد ارزیابی قرار نگرفته باشد، در مورد متخصصان خارجی چنین ارزیابی اصلاً مطرح نیست. عصمتی در این مورد گفت که مشاور وزارت ترانسپورت روزانه دوهزار دلار معاش دریافت می کند اما اطلاعات تکنیکی خود را از انجینیران افغانستان می گیرد.

سخن عصمتی در مورد مشاور خارجی وزارت ترانسپورت مرا بی اختیار به یاد خبر یک اختراع جدید در امریکا انداخت. در این کشور ماشینی برای استحمام سگ ها اختراع شده است که قرار است به زودی در موتر شویی ها به فعالیت آغاز کند. در گذشته این کار را کارگران انجام می دادند اما با درگیری امریکا در عراق و برخی کشور های دیگر، قلت کارگران ماهر و متخصص در این عرصه موجب گردیده است تا برای این کار نیز ماشین اختراع گردد. بیجا نگفته اند که احتیاج مادر ایجاد است!

دوستی حکایت می کرد که مقارن با واقعهٔ یازدهم سپتامبر به امریکا پناهنده شدم. چند ماه بعد که تازه کمی به لسان انگلیسی آشنایی حاصل کرده بودم یکی از آشنایان به دیدنم آمد و از من خواست تا به عنوان متخصص به افغانستان برگردم! من در جواب گفتم که با آمدن به امریکا تا کنون جز اندکی زبان هیچ آموزش دیگری ندیده ام چگونه می توانم ادعای تخصص کنم؟

او نگاه فقیه اندر سفیه به من انداخت و گفت: مگر نمی دانی که امریکا مانند خم رنگ ریز است؟ تو حالا رنگ شده یی و همین کافی است که بگویی از امریکا آمده یی. همه به عنوان متخصص قبولت می کنند!

ص ۶

وعده های دولت به معلمان چه زمانی تحقق خواهد یافت؟

جنگ های تحمیلی سه دههٔ اخیر افغانستان ، زیان های زیادی رادر همه عرصه ها بر پیکر این کشور وارد ساخته است که یکی از نهادهای زیان متد این جنگ ها معارف کشور بوده است. معارف با فروپاشی حکومت طالبان، جان تازه گرفت و توجه مردم را به خود جلب نمود.

گر چه با گذشت هر سال بر تعداد شاگردان مکاتب افزوده می شود اما در سطح تعلیمی آنها تفاوت چندانی به ملاحظه نمی رسد ، این که چه مشکلاتی در این راستا وجود دارد و آموزگاران ما از چه شکایت دارند، سؤالی است که مجاهد با عده یی از معلمان ومسؤولان مکاتب شهر کابل درمیان گذاشته است که فشردهٔ آن به ملاحظه می رسد:

خان پادشاه مدیر لیسهٔ آزاد خان می گوید:

در پهلوی مشکلات فراوانی که دامنگیر معارف کشور می باشد، دو مشکل اساسی رامی توان در اولویت مشکلات معیشتی آنان قرار داد، اول این که معلمی که ممتاز است و زیاد تر از دیگران می داند هیچ گاهی به معاش معلمی قناعت نمی کند بلکه این مسلک مقدس را ترک و به جای آن در انجوها کار می کند.

دوم تطبیق نشدن وعده های دولت در راستای ازدیاد معاش معلمان و سرپناه آنان می باشد که این موضوع موجب دل سردی معلمان شده است.

نیاز محمد مدیر لیسهٔ علی احمد خان پوپل عمده ترین چالش معارف کشور را وضع نادرست معیشتی معلمان قلمداد می نماید او در این مورد گفت:

معلمان ما با فقر مواجه هستند و تا وقتی که به این اصل توجه صورت نگیرد این ها نمی توانند به ص۷



محمد ابراهیم رضایی



غلام حسن الیاس



نیاز محمد



خانم حفیظه همایون



خانم حمیده امید



خان پادشاه

صدام نیمه برهنه نشان داده شد

یک روزنامهٔ چاپ انگلیسی زبان عکس هایی از صدام حسین دیکتاتور پیشین عراق را چاپ کرده است که وی در آن عکس ها در حضور سربازان امریکایی نیمه برهنه نشان داده شده است.

ارتش امریکا تصدیق کرده است که عکس ها واقعی بوده و چاپ آنها خلاف کنوانسیون ژنیوا در بارهٔ زندانیان می باشد. وکلای مدافع صدام حسین ادعا کرده اند که چاپ این عکس ها اهانت شخصی به وی بوده و علیه روزنامهٔ سن و نیویارک پوست اقامهٔ دعوا خواهند کرد.

پس از ایجاد پارلمان حضور ...

شوند به دولت افغانستان تحویل دهند. این موضوع را در دیدار با رئیس جمهور امریکا مطرح خواهم کرد. آقای کرزی گفت: از مقامات دولت امریکا تقاضا خواهم کرد که نیروی ائتلاف در جریان عملیات نظامی در افغانستان از داخل شدن به خانه های مردم خود داری کنند و عملیات نظامی در تفاهم با مسؤولان امنیتی دولت افغانستان باید انجام یابد. حامد کرزی گفت که در مورد مرگ دو زندانی که در میدان هوایی بگرام سه سال قبل اتفاق افتاده است نیز با مقامات امریکایی صحبت خواهد کرد تا مرتکبان این عمل مجازات گردند.

تلاش برای آزادی کانتونی ادامه دارد

مقامات امنیتی کشور اعلام داشته اند که تلاش برای آزاد ساختن خانم کانتونی شهروند کشور ایتالیا که برای یک مؤسسهٔ امداد رسانی بین المللی به نام مراقبت کار می کرد، ادامه دارد.

حامد کرزی رئیس جمهور کشور ربوده شدن این امدادگر ایتالیایی را کار یک شخص خواند نه یک گروه.

آقای مشعل سخنگوی وزارت امور داخله گفت: مذاکرات با گروه رباینده، برای رهایی خانم کانتونی ادامه دارد.

وی گفت: این وزارت یک مرکز جدید عملیاتی را تأسیس کرده و در همکاری نزدیک با نیروهای خارجی مستقر در افغانستان و مقامات سفارت ایتالیا در کابل برای رهایی مصون خانم کانتونی تلاش می کند.

خانم کانتونی که از مدت دوسال بدین طرف به حیث مسؤول برنامه های امداد رسانی در افغانستان کار می کرد شام دو شنبه ۲۶ ثور از ساحهٔ شهر نو کابل ربوده شد. در مدت کمتر از



هشت ماه این دومین ادم ربایی در کابل است.

تا کنون از جزئیات تقاضای ربایندگان در بدل رهایی این خانم ایتالیایی گزارش رسمی به نشر نرسیده است. اما مقامات وزارت داخله گفته اند که ربایندگان شرایط بزرگی برای رهایی این خانم ربوده شده پیشنهاد نکرده اند.

سه تن از کارمندان وزارت ترانسپورت محکوم به مجازات شدند

سه تن از کارمندان وزارت ترانسپورت ویک کارمند وزارت حج و اوقاف که متهم به دست داشتن در قضیهٔ فساد اداری و استفاده از صلاحیت های وظیفه یی در جریان مراسم حج بودند محکوم به مجازات شدند.

بر اساس فیصلهٔ محکمه عبدالغنی رئیس شرکت هواپیمایی آریانا و سید عیسی رئیس مالی و حسابی آن شرکت محکوم به جزای مدت یک و نیم سال زندان و پرداخت یک میلیون و چهل هزار دلار پول نقد گردیدند.

همچنان در حق جاهد عظیمی معین اداری وزارت ترانسپورت و جلال الدین فخری مدیر حج و اوقاف حبس سپری شده برای شان کافی شمرده شد.

عبدالغنی سلطانی و سید عیسی حکم محکمه را نپذیرفتند خواهان محکمهٔ استیناف شدند.

به گفتهٔ سارنوال ناعم، فیصله به عمل آمد که عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت و بسمل الله بسمل وزیر سابق هوانوردی، حمیدی یک تن از رؤسای وزارت ترانسپورت، فیاض، سلطان علومی و هاشم منسوبان آن وزارت قابل تعقیب عدلی هستند و تحقیقات در مورد شان ادامه می یابد.